



## الینور استروم برنده جایزه نوبل ۲۰۰۹

در این تحلیل توصیف کرده است که چگونه یک "دارایم‌شترک" توسط گروه‌هایی که از آن استفاده میکنند، با موفقیت مدیریت میشود.

در اقتصاد منابع با مالکیت مشترک (common-pool resource (CPR) که common property resource نیز خوانده می‌شوند انواعی از کالاها هستند که نمی‌توان به آسانی استفاده افراد را از آن محدود کرد و از طرفی تولید مجدد آن بسیار هزینه بر است و همچنین با مصرف افراد مقدار آنها کاهش می‌یابد، البته این کالاها می‌تواند ساخته دست انسان یا طبیعی باشد، مثل آب، معادن یا جنگلها.

این کالاها معمولا دارای یک "هسته" هستند که باید از آنها محافظت شود تا در اثر استفاده حداکثری از این دارایی‌ها، هنوز امیدی برای تولید مجدد آنها وجود داشته باشد.

در واقع این دو نشان دادند که نهادهایی غیر از نهاد بازار آزاد هم می‌توانند به گونه ای کارا تخصیص منابع را انجام دهند. البته منظور از نهادهایی غیر از نهاد بازار آزاد، نهاد دولت نیست.

مثلا دریایی را با مالکیت دو کشور در نظر

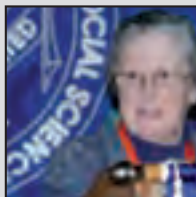
جایزه یک و نیم میلیون دلاری نوبل اقتصاد امسال به دو اقتصاددان آمریکایی به علت تحقیقاتشان در حوزه اداره امور اقتصادی رسید: "الینور استروم"، اولین زن برنده جایزه نوبل اقتصاد و استاد علوم سیاسی دانشگاه "آیندیانا" و "الیور ویلیامسون" استاد اقتصاد دانشگاه "برکلی".

در این نوشتار بیشتر به کار خانم "الینور استروم" خواهیم پرداخت. خانم "استروم" متولد سال ۱۹۳۳ است. او در "بلومینگتون" زندگی می‌کند و استاد دو دانشگاه "آیندیانا" و همینطور دانشگاه ایالتی "آریزونا" است. او از مرکز "بورلی هیلز" فارغ التحصیل شد و مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۵۴ اخذ کرد. در سال ۱۹۶۲ کارشناسی ارشد گرفت و در نهایت در سال ۱۹۶۵ مدرک دکترای تخصصی در رشته علوم سیاسی را دریافت کرد. او عضو آکادمی علوم ایالات متحده و همچنین انجمن علوم سیاسی آمریکا است.

آکادمی علمی سلطنتی سوئد دلیل انتخاب خانم "استروم" را «تحلیلی که از حاکمیت اقتصادی» ارائه داد اعلام کرد و گفت: او

### ندا بشیری

دانشجوی دکترای  
اقتصاد بین الملل،  
سرپرست بورس  
قزوین



به طور خاص کار خانم  
"استروم" چگونگی  
تعامل انسانها با  
چرخه محیط زیست  
برای حفظ طولانی  
مدت بازده منابع  
است. منابعی مانند  
شیلات، جنگل ها،  
اراضی چرا، زمین های  
نفت خیز و شبکه  
آبیاری

دارایی های مشترک توسط نهادهایی غیر از دولت یا بازار آزاد، به آفریقا رفت و در روستاهای آنجا به مطالعه مدیریت مراتع توسط مردم محلی پرداخت. همچنین فاز دیگری از مطالعاتش را نیز برای شبکه آبیاری در غرب نیپال در شمال هند انجام داد و متوجه شد تخصیص بهینه دارایی های عمومی در این مناطق همراه با حفظ چرخه محیط زیست بدون دخالت دولت و یا نهاد بازار صورت گرفته است. بنابراین معلوم کرد بسیاری از مطالعات اقتصادی را می توان بدون مطالعه بازار انجام داد.

خانم "استروم" بر اساس تحقیقاتش، قوانینی برای مدیریت منابع به صورت مشترک بیان می کند که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- قوانین وضع شده باید کاملاً شفاف باشند، یعنی اینکه؛ چه کسی و به چه میزانی از منبع سهم دارد.
- ۲- وظیفه هر کس در مورد نگهداری منبع با سودی که می برد متناسب باشد.
- ۳- نظارت و تمهیدات لازم انجام شود.
- ۴- استفاده کنندگان امکان شرکت در تصویب قوانین و تغییر آن را داشته باشند.

آثار "استروم" عبارت است از: مدیریت امور عمومی: تکامل نهادهای برای کنش جمعی،

نیویورک، کمبریج، ۱۹۹۰؛

شکل دهی به نهادهای برای خودمدیریتی نظام های آبیاری، سانفرانسیسکو، موسسه مطالعات معاصر، ۱۹۹۲

بگیرید که در اثر ماهیگیری مفرط در حال تهی شدن است. در اینجا نهادهای مسئول دو دولت هستند که تخصیص منابع را به خوبی انجام نداده و از هسته ها هم به خوبی مواظبت نکرده و استفاده حداکثری را به مرحله استفاده ناپهنجار هم رسانده اند.

منظور این دو برنده جایزه نوبل، نه دولت و نه فقط بازار آزاد است، بلکه دیگر نهادهای آزاد نیز است. بازار آزاد تنها بخشی از نهادهای آزاد است و ممکن است نهادهای آزاد دیگری هم وجود داشته باشند که خیلی هم خوب و کارا عمل کنند، که در واقع همان مساله ای است که این دو شخص به طور دقیق مورد بررسی قرار داده اند. در واقع کار این دو میتواند تاکید بیشتری باشد بر این امر که اقتصاد تنها مطالعه بازارها نیست، باشد. بلکه مطالعه چگونگی تخصیص و توزیع منابع است. یعنی تخصیص منابع نادر به نیازهای وافر به روشی بهینه. اما اینکه می بینیم همیشه در اقتصاد بازارها مورد مطالعه و تاکید هستند، به این دلیل است که معمولاً بازارها به صورت کارا این تخصیص منابع را انجام می دهند.

از طرف دیگر "الینور استروم" به این دیدگاه که مالکیت عمومی کارایی خوبی نداشته و باید مالکیت خصوصی یا دولتی جایگزین آن شود هم، می پردازد.

وقتی کسی مالکیت محض یک منبع را در اختیار نداشته باشد، آن منبع مورد استفاده بیش از حد قرار خواهد گرفت و هر کس به دنبال استفاده بیشتر و سریعتر خواهد بود. مانند مثال ماهیگیری در دریایی که متعلق به دو کشور بود یا یک میدان مشترک نفتی یا گازی.

تحقیقات استروم توانایی جوامع و گروههای انسانی به کمک سطح دانش و معرفت شخصی خود و با در نظر گرفتن ترجیحات و محدودیتهايشان در توسعه نهادهایی برای اداره امور که باعث ایجاد منفعت برای همه می شود، را روشن ساخت.

به طور خاص کار خانم "استروم" چگونگی تعامل انسانها با چرخه محیط زیست برای حفظ طولانی مدت بازده منابع است. منابعی مانند شیلات، جنگل ها، اراضی چرا، زمین های نفت خیز و شبکه آبیاری. او برای انجام مطالعات خود در زمینه تخصیص بهینه